

محقق راضیه غوث

جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان

Turkey's Position in Afghanistan's Foreign Policy

Researcher Razia Ghaws

Abstract: Every country makes foreign policy to answer its national needs and goals and acquire national interests. In the past, Afghanistan's foreign policy framework was not clear, but during Hamid Karzai presidency after 2001, foreign policy was defined in three circle of neighboring countries and region; Islamic countries and international society and it was more security centric. Today, foreign policy of national unity government is focused on the axis of economy and defined on five circles. Neighboring countries; Islamic world; powerful countries, which have knowledge, power and wealth; Asian countries and international organizations. In this regard, Afghanistan has friendly relations with Turkey since past ages and it has special position in foreign policy of Afghanistan in the circles of (Asian countries, Islamic world and international organizations). After 9/11, Turkey's troops came to Afghanistan in the frame of ISAF and assisted Afghan government in economic and cultural areas. Turkey also participated and contributed in national and international conferences regarding Afghanistan's reconstruction.

خلاصه

سیاست خارجی هر کشوری برای تأمین نیازهای ملی، اهداف ملی و تلاش برای کسب منافع ملی تعیین و ترسیم می‌شود. در افغانستان نیز چارچوبه سیاست خارجی این کشور هرچند در گذشته روشن و هویدا نبود، اما بعد از ۲۰۰۱م در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی در سه دایره کشورهای همسایه و منطقه، کشورهای اسلامی و جامعه جهانی مشخص شد و بیشتر یک سیاست امنیت محور بود. امروزه در حکومت وحدت ملی سیاست خارجی این کشور اقتصاد محور و حول پنج حلقه می‌چرخد. کشورهای همسایه، جهان اسلام، کشورهای قدرتمند که سه عنصر دانش، قدرت و ثروت را در اختیار دارند، کشورهای آسیایی و سازمان های بین‌المللی. در این میان افغانستان با جمهوری ترکیه از گذشته های دور روابط دوستانه داشته و هم اکنون جایگاه ویژه‌ای را در سیاست خارجی افغانستان (در سه حلقه کشورهای آسیایی، جهان اسلام و در قالب سازمان های بین المللی) دارا می باشد نیروهای این کشور پس از حادثه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱م. در چوکات آیساف وارد افغانستان شد، همچنان در بخش های اقتصادی و فرهنگی نیز با دولت افغانستان همکاری بوده که در این میان می توان از شرکت ترکیه در کنفرانس های متعدد که برای بازسازی افغانستان چه در داخل کشور و چه بیرون از آن دایر گردیده است نام برد.

مقدمه

امروز کشورها تلاش می‌ورزند جهت توسعه سیاست خارجی خود بیش از پیش با همدیگر تماس برقرار نمایند، تا بدین وسیله بتوانند فضای سازگار و روابط حسنه را بر مبنای حفظ منافع ملی خویش در منطقه و جهان جهت تأمین نظم، ثبات، استقرار صلح و پیشرفت های سیاسی و اقتصادی به وجود آورند و نیز موقعیت مناسب و موثری را در صحنه جهانی کسب و از دستاوردهای مادی و معنوی دنیای امروز که مقتضای زنده‌گانی درنظم نوین بین‌المللی است، به وجه احسن استفاده نمایند.

در چنین فضایی دولت افغانستان که جنگ‌های متعدد را پشت سر گذاشته و در طی آن تقریباً تمام زیرساخت‌های کشور در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شدیداً زیان‌مند گردیده است، جهت بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ نیاز اشد به تأمین روابط و استحکام بیش از پیش آن با کشورهای منطقه و جهان دارد و نباید هیچگونه فرصت را در حصول همکاری سایر ملل و جامعه جهانی برای غلبه بر عقب‌مانی از دست دهد.

جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان

در این مقاله دنبال یافتن پاسخ به این پرسش هستیم که جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان چگونه است و چه عواملی سبب شده تا در طول تاریخ میان دو کشور روابط دوستانه باشد؟

فرض بر آن است که ترکیه از اهمیت ویژه ای در سیاست خارجی افغانستان برخوردار بوده و در طول تاریخ روابط دوستانه با دولت افغانستان داشته است و آنچه باعث شده تا هیچ گونه برخوردی میان دو کشور اتفاق نیفتد نداشتن مرز مشترک و پیشینه اختلافات، داشتن مشترکات فرهنگی، نژادی و مذهبی میان مردمان دو کشور است.

مبومیت: سیاست خارجی نشانگر رفتار دولت ها در محیط خارجی بوده و از آنجاییکه دولت افغانستان برای بار نخست پس از ۲۰۰۱م سیاست خارجی خود را تعریف و جایگاه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در آن مشخص شد بناءً نیاز به آن است که جایگاه کشورها از جمله ترکیه مورد تحقیق قرار گیرد.

هدف: هدف از تحقیق حاضر آشکار ساختن جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان به خصوص بعد از ۲۰۰۱م می باشد.

این تحقیق بر پایه روش تحلیلی- توصیفی استوار بوده و از ابزارهای کتابخانه‌ای چون کتب، مقالات و سایت‌های معتبر اینترنتی استفاده به عمل آمده است.

پژوهش حاضر شامل پیشینه تاریخی روابط ترکیه و افغانستان، چارچوبه سیاست خارجی افغانستان بعد از حادثه یازدهم سپتمبر، جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان و روابط افغانستان و ترکیه در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است که با یک نتیجه و فهرستی از منابع و مآخذ پایان یافته می‌یابد.

پیشینه تاریخی روابط ترکیه و افغانستان

بعد از ختم جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی در ۱۹۲۳م، جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال اتاترک تشکیل شد، در این دوره افغانستان نیز به رهبری امان‌الله خان تازه به استقلال رسیده و از همان ابتدا روابط میان دو کشور دوستانه بود، طوریکه مصدق این ادعا نخستین معاهده دوستی میان افغانستان و جمهوری ترکیه بود که در اول مارچ ۱۹۲۱ م میان دو کشور به امضا رسید و مناسبات دیپلماتیک میان دولتین افغانستان و ترکیه برقرار گردید.

زمانیکه افغانستان استقلال خود را به رهبری امان‌الله خان در ۱۲۹۷ هـ ش (۱۹۱۹م) گرفت این مسأله در داخل و خارج اثرات خود را به جای گذاشت روی این ملحوظ امان‌الله خان به تاریخ ۱۳۰۶ هـ ش (۱۹۲۷م) به دوازده کشور آسیا و اروپا سفرهای داشت که از جمله به تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۰۷ هـ ش (۱۷می ۱۹۲۸م) وارد ترکیه شد در این سفر معاهده مودت سال ۱۹۲۱ م دو

باره مورد تأیید قرار گرفت. (۱) به این ترتیب روابط میان دولت افغانستان و ترکیه در دوره سلطنت امیرامان الله خان به بلندترین سطح خود رسیده بود.

در سال ۱۹۳۵م دولتین افغانستان و ایران برای تثبیت مرزهای شمال غرب از هیأت ترکیه برای وساطت دعوت نمودند. دولت ترکیه برای حل و فصل اختلافات مرزی این دو کشور جنرال فخرالدین التایی را موظف نمود جنرال فخرالدین التایی پس از مطالعه و تحقیقات زیاد فیصله خود را صادر و تسلیم دولتین افغانستان و ایران نمود. (۲) این خط به نام خط فخری یاد می شود که نشان دهنده روابط دوستانه میان دو کشور ترکیه و افغانستان است.

در زمان سلطنت محمد نادرشاه، ترکها نه تنها در امور صحی و نظامی خدمت می نمودند بلکه در امور سیاسی کشور نیز حیثیت مشاورین معتمد را پیدا کرده بودند. در زمان حکومت محمد هاشم خان به تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۳۷م یک معاهده میان سه کشور ایران، افغانستان و ترکیه منعقد شد و به اساس آن سه کشور تعهد نمودند تا در صورتی که یک کشور خارجی بر یکی از این سه کشور حمله کند هر سه کشور به صورت دسته جمعی در مقابل آن کشور به دفاع بپردازند، اما در جریان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۱-۱۹۴۵م) بی اعتبار گردید. (۳)

در سال ۱۳۵۲ ه ش داؤد خان توانست از طریق کودتا زمام امور را به دست گیرد، داود خان دستوراعمار یک عمارت جدید را برای سفارت افغانستان در ترکیه داد و از همین زمان به بعد روابط رسمی میان دو کشور در محدوده دیدارهای رسمی و عقد قراردادهای فرهنگی، اقتصادی و تجاری برقرار شد. در سال ۱۳۵۷ ه ش حزب دموکراتیک خلق به رهبری نورمحمد تره کی علیه رژیم داؤد خان کودتا کرد. در این دوره نظام بین الملل شاهد ساختار دوقطبی قدرت به رهبری ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی بود و با توجه به گرایش حزب حاکم در افغانستان به شوروی و ترکیه به امریکا سبب شد تا حدی روابط میان دو کشور به سردی بگرایید، اما بعد از اینکه حکومت داکتر نجیب الله سقوط و مجاهدین با تشکیل دولت اسلامی افغانستان زمام امور را به دست گرفتند، روابط میان دو کشور به حالت عادی برگشت و روابط در سطح عالی آغاز شد. با سقوط کابل و به قدرت رسیدن طالبان مناسبات میان امارات اسلامی طالبان و جمهوری ترکیه به پایین ترین سطح خود رسید، طوریکه ترکها طالبان را به رسمیت نشناختند و سفارت خانه ترکیه نیز در کابل مسدود شد. (۴)

با سقوط امارت اسلامی طالبان در میزان سال ۱۳۸۰ ه ش، قدرت به دست دولت اسلامی افغانستان افتاد که به کمک نیروهای خارجی در چوکات آیساف ISAF توانست امنیت کابل و سایر ولایات افغانستان را بگیرد و زمینه را برای ایجاد یک حکومت از طریق

جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان

انتخابات مساعد سازد، بعد از تشکیل حکومت موقت سپس انتقالی و بعداً انتخابی حامد کرزی به عنوان رئیس جمهور انتخاب گردید.

سیاست خارجی افغانستان بعد از یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ م

کشورها در ادامه سیاست داخلی، سیاست خارجی خویش را بر اساس منافع ملی پایه‌ریزی می‌کنند. سیاست خارجی شامل تدوین اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها تعقیب می‌شود. سیاست خارجی ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها است. در سیاست خارجی عوامل زیادی در تعیین و اجرای آن دخیل است که این عوامل باعث تمایز میان سیاست خارجی حکومت‌ها از یکدیگر می‌شود.

افغانستان از جمله کشورهای است که همواره از نظام بین‌الملل متأثر بوده است از جمله می‌توان از اشغال افغانستان توسط بریتانیا و شوروی به عنوان قدرت‌های برتر آن زمان یاد کرد و این امر سبب شد تا افغانستان دارای سیاست خارجی مستقل که بر مبنای منافع ملی کشور ساخته شود نباشند و با روی کار آمدن دولت اسلامی افغانستان و سپس پیدایش طالبان، سیاست خارجی افغانستان آسیب جدی دید. جنگ‌های داخلی باعث شد که افغانستان یک سیاست خارجی منسجم و تعریف شده نداشته باشد. بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان در پی حادثه یازدهم سپتمبر در ایالات متحده آمریکا شرایط در افغانستان متفاوت شد. تقریباً چهل کشور جهان برای مقابله با تروریسم با ایالات متحده آمریکا همگام شدند و برای سرکوبی پدیده‌ای به نام تروریسم در قالب ائتلاف و نیروهای آیساف وارد کابل گردیدند.

با تشکیل اداره موقت در افغانستان و سپس انتقالی و انتخابی باب جدیدی در سیاست خارجی افغانستان گشوده شد و از این زمان در محراق توجه کشورهای مختلف و جامعه جهانی قرار گرفت، در چنین شرایطی افغانستان باید حداکثر استفاده و با اتخاذ سیاست فعال در عرصه بین‌المللی روابط خود را با کشورهای منطقه احیاء و تحکیم می‌بخشید.

پس از ۲۰۰۱ م و شکل‌گیری حکومت جدید در افغانستان، مجریان سیاست خارجی کوشیدند تا با اتخاذ سیاست مبتنی بر حسن همجواری به خاطر مشترکات زیاد با کشورهای همسایه، روابط سیاسی و اقتصادی خود را گسترش دهند تا در چارچوب این دیدگاه مشکلات با کشورهای همسایه کاهش یابد عمده‌ترین هدف از اتخاذ سیاست همگرایی، برقراری روابط چندجانبه با کشورهای همسایه بود تا از یک طرف روابط اقتصادی و فضای اعتماد را میان کشورهای همسایه ایجاد کنند از جانب دیگر جایگاه منطقه‌یی خود را در میان کشورهای منطقه ارتقاء دهد. (۵) در پهلوی آن در این زمان بیشتر بحث اتحاد و ائتلاف با غرب نیز در دستور کار سیاست خارجی افغانستان بوده و در این راستا موافقتنامه‌های استراتژیک را با کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا به امضاء رسانیده است، «سیاست اتحاد و ائتلاف عبارت از سیاستی است که به منظور افزایش نفوذ

دیپلوماتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت، تحقق هدف و منافع ملی از طریق ترکیب توانایی‌های اقتصادی و نظامی با یک یا چند بازیگر بین‌المللی اتخاذ می‌شود.» (۶)

بعد از سال ۲۰۰۱م در ترکیه حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان به پیروزی رسید، سیاست خارجی این کشور که قبلاً بر محور الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا می‌چرخید به جانب شرق معطوف شد و به گفته وزیر خارجه آن زمان ترکیه داود اوغلو اینکه: هرچه ترکیه کمان خود را در آسیا بیشتر بکشد تیرش به شکل بهتری در اروپا می‌نشیند (۷) وارد عمل شد. این مسأله نشانگر این امر است که به هر پیمانانه ترکیه در آسیا به خصوص میان کشورهای اسلامی جایگاه خود را مستحکم و تثبیت نماید به همان اندازه به عنوان یک قدرت در اروپا شناخته و بخت الحاق آن به اتحادیه اروپا بیشتر می‌شود.

در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی برای اولین بار طرح خطوط کلی سیاست خارجی افغانستان توسط داکتر رنگین دادفر سپینتا در یازده ماده به تاریخ ۱۸ ثور ۱۳۸۷ تهیه گردید. و به معیار آن سیاست خارجی افغانستان در قالب سه دایره:

۱- تعامل با همسایگان و کشورهای منطقه

۲- تعامل با جامعه کشورهای اسلامی

۳- تعامل با کشورهای که کانون دانش، قدرت و ثروت استند. که شامل تمامی متحدین افغانستان در عرصه بین‌المللی تعریف شد.

جمهوری ترکیه با توجه به پیشینه تاریخی که در روابط دوستانه با افغانستان دارد و تقسیم بندی سیاست خارجی در سه دایره، در دو دایره اول و دوم آن جای گرفت. بعد از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی سیاست خارجی این کشور بر پنج حلقه استوار گردید.

۱- همسایه ها

۲- جهان اسلام

۳- کشورهای که بیشترین قدرت، ثروت و دانش را دارند. (ایالات متحده امریکا، کشورهای اروپایی، استرالیا، کانادا و جاپان (بزرگترین تمویل کننده گان افغانستان)

۴- کشورهای آسیایی

۵- سازمانهای بین‌المللی.

دولت ترکیه در سه حلقه جهان اسلام، کشورهای آسیایی و در قالب سازمان های بین‌المللی در سیاست خارجی افغانستان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با دولت افغانستان همگام و همکار می باشد.

در عرصه سیاسی: پس از تشکیل دولت جدید در افغانستان (۲۲ دسمبر ۲۰۰۱م) توجه کشورهای خارجی به افغانستان افزایش یافت و مناسبات با اکثریت کشورها مجدداً برقرار شد.

جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان

به این معنی که اکثریت کشورهای جهان دولت جدید افغانستان را به رسمیت شناختند و نماینده‌گی‌های سیاسی افغانستان در اکثر کشورها از نو تأسیس و یا فعال شدند، به این ترتیب روابط افغانستان با کشورهای منطقه و جهان از جمله جمهوری ترکیه حالت عادی را به خود گرفت، بعد از آغاز روابط سیاسی سفرهای رسمی مقامات حکومت مؤقت، انتقالی و بعداً منتخب افغانستان به جمهوری ترکیه و برعکس آن به منظور تحکیم روابط هرچه بیشتر صورت گرفت. همچنان به سلسله روابط میان دو کشور (ترکیه و افغانستان)، موافقتنامه‌های نیز در این خصوص میان دو کشور به امضاء رسیده است و از جمله می‌توان از موافقتنامه رفع ویزه دارنده گان پاسپورت سیاسی یادآوری نمود. این موافقتنامه به تاریخ ۲۹/۹/۲۰۰۷ م دارندگان پاسپورت سیاسی میان افغانستان و ترکیه به امضاء رسید (۸)

در عرصه اقتصادی: ترکیه میزبانی اجلاس سه جانبه ترکیه، افغانستان و پاکستان را به عهده داشت که هدف اصلی این اجلاس همکاری در تأمین رشد، ترقی و ثبات منطقه از طریق تحکیم روابط میان سه کشور بود. این نشست‌ها از سال ۲۰۰۷ به این سو، به طور منظم میان مقامات ارشد سیاسی و نظامی سه کشور برگزار شده است. این ابتکار عمل منجر به شکل‌گیری فرایندی موسوم به «فرایند آنکارا» شده است. دستور کار اجلاس‌های سه جانبه به تناسب وضعیت و شرایط سه کشور و روند تحولات منطقه، موضوعات مختلفی را اعم از گفت‌وگوهای سیاسی، مناسبات اقتصادی، چالش‌های امنیتی، آموزش و... تشکیل داده است. به منظور اجرایی نمودن توافقات نیز نشست‌های فرعی و کاری متعددی سازماندهی شد که تشکیل گروه کاری مشترک میان معاونان وزرای خارجه سه کشور در ۱۹ جولای ۲۰۱۰ در کابل، یکی از نمونه‌های بارز آن به شمار می‌رود. (۹) اجلاس سه جانبه نشان می‌دهد که کشورهای منطقه می‌توانند به کمک یکدیگر بحران‌ها و مشکلات خود را حل نمایند زیرا این کشورها با واقعیت‌های منطقه خویش بیشتر از هر کشور دیگری آگاه هستند و می‌توانند راه‌های حل منطقی و موثری را ارائه کنند

برای همکاری در زمینه‌های مختلف در قالب همگرایی منطقه‌یی با محوریت افغانستان می‌توان از سه ابتکار مهم منطقه‌یی نام برد: «۱- ریکا؛ ۲- پروسه استانبول؛ ۳- راه ابریشم. هر سه این ابتکار با هدف استفاده از موقعیت ژئواکونومیک افغانستان برای تقویت ارتباطات زمینی و تجارت منطقه‌یی و بین منطقه‌یی به ویژه بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی طراحی شده است.» (۱۰)

در این میان پروسه استانبول که به پیشنهاد دولت افغانستان و ترکیه برای ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان مطرح شد نقش اساسی را در راستای روابط دو کشور دارا است. پروسه استانبول قلب آسیا، یک چهارچوب مهم در دیپلماسی منطقه‌یی افغانستان پنداشته می‌شود که در سال ۲۰۱۱ م به ابتکار افغانستان

و حمایت کشورهای منطقه تأسیس شد و نخستین کنفرانس وزیران خارجه آن در دوم نومبر سال ۲۰۱۱م در شهر استانبول ترکیه تدویر یافت. هدف این پروسه برجسته ساختن نقش محوری افغانستان به عنوان پل ارتباط میان جنوب آسیا و آسیای مرکزی و نیز چالش‌ها و فرصت‌ها در این منطقه در عرصه‌های مختلف می‌باشد. این پروسه نخستین چهارچوب سیاسی است که تمام کشورهای منطقه در آن مشارکت دارند. کشورهای شامل این پروسه: افغانستان، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، قرغزستان، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان، هند، ترکیه، امارات متحده عربی، عربستان و ایران می‌باشند. (۱۱)

در نتیجه گفته می‌توانیم که سیاست خارجی دولت افغانستان برای تحکیم هرچه بیشتر روابط با کلیه کشورهای جهان بر پایه احترام به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور استوار است. دولت افغانستان باید به خاطر تأمین امنیت و بازسازی کشورش با کشورهای مختلف جهان که با اندیشه‌های متفاوت در افغانستان حضور دارند و نیز با سایر کشورهای جهان روابط نیک و دوستانه داشته باشد، زیرا این روابط می‌تواند تداومی برای همکاری‌های بین‌المللی باشد.

در عرصه نظامی: بعد از سقوط امارت اسلامی (حکومت طالبان) در افغانستان شورای امنیت سازمان ملل متحد با توجه به اینکه جهت تأمین امنیت نسبی در افغانستان نیاز به فرستادن نیروهای بین‌المللی بود، به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱م یعنی دو روز قبل از آغاز کار اداره مؤقت به فرستادن نیروهای بین‌المللی کمک به حفظ امنیت افغانستان (ISAF*) توافق نمود که در این میان عساکر ترکی نیز در قالب این نیروها در افغانستان فعالیت داشتند. طوریکه در آغاز ۲۸۷ نفر از نیروهای خود را در چهار چوب آیساف و بعد از ۱۳۱۳ نفر سرباز خود را در چوکات این نیروها به کابل فرستاد و برابر به فیصله شماره ۱۴۱۳ شورای امنیت، فرماندهی نیروهای آیساف از تاریخ ۲۰ جون ۲۰۰۲م به قوای ترکی به قوماندانی حلمی اکمین زورلو سپرده شد، نظر به تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد مدت خدمت نیروهای ترکی تا دهم فبروری ۲۰۰۳م تمدید گردید. (۱۲)

از لحاظ فرهنگی: از این رهگذر نیز دو کشور دارای مشترکات دینی، مذهبی، نژادی و زبانی بوده و در عرصه‌های مختلف فرهنگی به دولت افغانستان همکاری داشته است از جمله فعالیت مکاتب افغان ترک را می‌توان نام برد. هرچند به سبب اختلافاتی که میان دولت ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان و فتح‌الله گولن روحانی سیکولار که در ابتدای به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از طرفداران این حزب محسوب می‌شد به میان آمد که با وقوع کودتا در ۱۵ جولای ۲۰۱۶م در ترکیه این اختلافات عمیق‌تر گردید، این مسأله در موجودیت مکاتب افغان ترک که توسط فتح‌الله گولن سرمایه‌گذاری شده بود مشکلاتی را به میان آورد، ولی دولت ترکیه

* International Security Assistance Force (ISAF)

جایگاه ترکیه در سیاست خارجی افغانستان

بعد از توافق با دولت افغانستان این مکاتب را جزء از معارف ترکیه قرار داد. (۱۳) همچنان همه ساله چندین بورسیه تحصیلی برای محصلین افغان فراهم می کند.

نتیجه گیری

در نتیجه گفته می توانیم که ترکیه از نگاه پیشینه تاریخی و مشترکات فرهنگی ارتباطات مستحکمی با افغانستان داشته و مورد اعتماد دولت و مردم افغانستان بوده و جایگاه ویژه ای را در سیاست خارجی این کشور داشته است، رابطه خوب ترکیه و افغانستان را می توان از سه دیدگاه بررسی نمود.

۱- اینکه ترکیه با افغانستان هیچ مرز مشترک ندارد بناءً هیچگونه مجادله در این زمینه بین دو کشور وجود نداشته است.

۲- ترکیه به عنوان وارث خلافت اسلامی و بنابر مشترکات دینی با مردم افغانستان در طول تاریخ نشان داده که هیچگونه سیاست مغرضانه را در قبال دولت افغانستان ندارد و دومین کشوری بود که بعد از روسیه استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت.

۳- اشتراکات دینی و فرهنگی این دو سرزمین باعث شده که حتی در زمان امارت طالبان نیز دولت ترکیه با افغانستان در ارتباط بوده و از طریق ایجاد مکاتب و سایر خدمات به مردم افغانستان مشغول همکاری و مساعدت باشد.

همکاری هایی کشور ترکیه برای افغانستان در سطح فرهنگی موثر بوده، ولی عمده ترین چالش فرا راه این فعالیت ها به خصوص در قسمت ایجاد مکاتب در ولایات مختلف افغانستان عدم امنیت است، زیرا در اکثر ولایات افغانستان وضعیت امنیتی نا آرام بوده و روز به روز آشفته تر می شود و بهترین راه برای جلب همکاری های تمام کشورهای کمک کننده به خصوص ترکیه در راستای کمک های اقتصادی و فرهنگی، تأمین امنیت و تشویق این کشورها برای سرمایه گذاری در افغانستان و ایجاد امکانات برای خود کفا شدن مردم افغانستان بوده و عمده ترین عامل که بتواند این مشکلات را حل نماید دولت افغانستان است که با هماهنگی با این کشورها می تواند زمینه تحصیل و کار را برای مردم افغانستان فراهم سازد، اما در کل روابط میان دو کشور افغانستان و ترکیه بیشتر بر پایه وابستگی یک جانبه استوار است.

پیشنهادها

باتوجه به آنچه در بالا تذکر رفت پیشنهاد می گردد که:

۱- دولت افغانستان زمینه بیشتر را برای همکاری کشورها از جمله جمهوری ترکیه فراهم سازد و برای این امر باید تأمین امنیت را در پایتخت و سایر ولایات افغانستان در اولویت کاری خود قرار دهد.

۲- دولت افغانستان بدون توجه به اختلافات میان دولت ترکیه و بنیان‌گذار مکاتب افغان ترک در افغانستان منافع مردم این کشور را مدنظر گیرد.

مآخذ

- 1- پوپلزایی، وکیلی. سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا (۱۳۰۶-۱۳۰۷)، چاپ اول، مطبوعه دولتی: کابل، ۱۳۸۶ شمسی، ص ۲۴۷.
 - 2- سایت جامعه شناسی افغانستان، "مرزهای افغانستان"، سایت جامعه شناسی افغانستان، دسترسی: <http://download.aftab.cc/afg> [مراجعه: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶].
 - ۳- آریانفر، عزیزالله. افغانستان و جهان، چاپ اول، مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه: کابل، ۲۰۰۴م، ص ۱۴۰.
 - ۴- همان اثر، ص ۱۴۳.
 - ۵- قیومی، محمد داوود. "سیاست خارجی افغانستان در قبال ترکیه و تأثیر آن بر امنیت منطقه‌یی"، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری های منطقه‌یی، زیر نظر دکتر فرامرز تمنا، جلد اول، چاپ اول، وزارت امور خارجه: کابل، ۱۳۹۳، ص ۴۵.
 - ۶- همان اثر، ص ۴۶.
 - ۷- همان اثر.
 - ۸- موافقتنامه مورخ ۲۰۰۷/۹/۲۹م دارندگان پاسپورت سیاسی میان افغانستان و ترکیه، وزارت امور خارجه، مدیریت حقوق و معاهدات، دوسیه نمبر ۲۰۱۱.
 - ۹- سوری، امیرمحمد. "نقش و اهداف ترکیه در روند تحولات افغانستان: دلایل و پیامدها"، حوت ۱۳۸۹، دسترسی: <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&&depid=44&semid=2301>
- [مراجعه: ۱۳۹۸/۲/۳].
- ۱۰- سروش، حسن. "موقعیت ژئوایکونومیک افغانستان و اهمیت آن برای همگرایی اقتصادی بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی"، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری های منطقه‌یی، زیر نظر دکتر فرامرز تمنا، ص ۴۸۹.
 - ۱۱- بارز، سیداکرم. "منطقه‌گرایی افغانستان در چهارچوب پروسه استانبول"، روزنامه هشت صبح، شماره ۲۳۷۶، چهارشنبه، ۲۲ ثور، ۱۳۹۵.
 - ۱۲- آریانفر، عزیز. افغانستان و جهان، ص ۳۵۳.
 - ۱۳- انتقال مدیریت مکاتب افغان-ترک در افغانستان به بنیاد معارف ترکیه، ۱۴ سرطان ۱۳۹۸، دسترسی: www.bbc.com/persian/afghanistan [مراجعه: ۱۳۹۸/۴/۱۴].